

یک اتفاق ساده

فرایند هیجان‌انگیز انتخاب و چند نکته


کیوان کتیریان

● شروع به کار هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر و اعلام نام بیش از ۹۰ فیلم برای شرکت در این جشنواره، این روزها خبر اول محافل سینمایی است و مثل همیشه هیجان فجر را یکی، دو ماه زودتر به بدنه سینما و رسانه‌ها منتقل می‌کند. بد نیست به همین بهانه به چند نکته اشاره کنم. نخست؛ هرساله در چنین روزهایی بحث انتخاب فیلم برای بخش مسابقه داغ است و بعد از اعلام پذیرفته‌شدگان، تازه بحث تازه‌ای شروع می‌شود. از طرفی بازماندگان معترض‌اند و خود را محق می‌دانند، بی‌آنکه از کیفیت بقیه فیلم‌ها مطلع باشند و از طرف دیگر نام برخی فیلم‌ها را میان پذیرفته‌شدگان می‌بینیم که چشم‌پسته می‌شود. حدس زد سهمیه دلواپسان است و برای خوشامد آنها و جلوگیری از داد و فریادهای «وا ارزشا»یشان در بخش مسابقه کنجانده شده‌اند. هر سال همین است و طبعاً امسال هم جز این نخواهد بود.

دوم؛ سال گذشته متوجه اصرار دبیر محترم برای اعلام‌نکردن نام اعضای هیات انتخاب جشنواره نشدم. اسامی از کانال‌های غیررسمی اعلام شد و به عبارتی لو رفت.

عجیب آنکه امسال نیز همان روال تکرار شد و همچنان هم جشنواره به طور رسمی اعضای این هیات را معرفی نکرده است. اگر بنا باشد این کار را برای جلوگیری از لابی‌ها و سفارش‌ها و… بدانیم، با لورفتن نام‌ها این هدف مخدوش می‌شود. تازه اگر یک عضو هیات انتخاب با تلفن و تماس و توصیه این و آن نظرش عوض شود که از اساس انتخاب اشتباهی بوده است!

سوم؛ اما امسال ترکیب هیات انتخاب نیز عجیب‌وغریب است. از سهم کم سینماگران که بگذریم، همچنان در برابر غیبت سؤال‌برانگیز منتقدان سکوت کنیم و سهم بیشتر مدیران دولتی را اجتناب‌ناپذیر بدانیم، وجود یکی، دو نام، کاملاً سؤال‌برانگیز است. معلوم نیست، کسی که در سال‌های اخیر جز ایفای نقش مخرب و کاملاً خصمانه در برابر کلیت سینما کاری انجام نداده، حضورش در ترکیب هیات انتخاب چه معنایی دارد؟ آیا در سال آخر دولت یازدهم قرار است پیام خاصی به جایی داده شود؟ قرار است با حضور چنین فردی چه طبعی و چه کسانی راضی شوند یا حق‌السکوت بگیرند یا خیلانشان بابت چیزهایی جمع شود؟ **چهارم**؛ اینکه دبیر جشنواره دارد دلداین‌ها را رعایت می‌کند، بسیار خوب است و باید امیدوار بود تا آخر روی این تصمیم بماند و واقعاً برای فیلمی که ترسید، تسهیلاتی قائل نشود. یک جشنواره ۳۵ساله، نظم حداقلی لازم دارد. جشنواره از همه آدم‌ها و فیلم‌ها بزرگ‌تر است. این مفهوم باید برای همه، جا بیفتد.

پنجم؛ تصمیم کاملاً درست حذف بخش نگاه نو و یک‌کاسه‌کردن تمام فیلم‌ها هم بسیار مثبت و قابل دفاع است. فقط باید امیدوار بود واقعاً فلسفه این اقدام مراعات شود. به این معنا که اگر مثلاً میان ۳۳ فیلم نهایی پنج فیلم اولی برجسته وجود داشت، همان پنج تا به جمع ۳۳ فیلم راد باید و نه بیشتر و اگر ۱۷ فیلم اول وجود داشت، هر ۱۷ فیلم به بخش مسابقه راه یابند و نه کمتر. تا حد امکان باید از میزان سهمیه‌ها و سفارش‌ها کم کرد و به کیفیت فیلم‌ها و اصل سنما اصالت داد.

ششم؛ باید امیدوار بود هیات انتخاب، صرفاً به اینکه فلانی یک «نام» است توجه نکند و تنها براساس کیفیت فیلم‌ها تصمیم بگیرد. باید امیدوار بود هیات انتخاب به احتمال اعتراضات و داد و فریادهای رسانه‌ای بعد از اعلام فهرست نهایی بی‌توجه باشد و به گلابه‌های احتمالی بعدی وقعی ننهد.

باید امیدوار بود هیات انتخاب به تنها چیزی که اهمیت می‌دهد، کیفیت باشد، بی‌توجه به نام‌ها و روابط و جناح‌ها و سهمیه‌ها و میزان شلوغ‌بازی و هیاهوی رسانه‌ای آدم‌ها و طیف‌ها. باید امیدوار بود هیات انتخاب به مواردی مثل «نگاه دارد» و «بیش‌سکوت است دلش می‌شکند» و «سیمرغ دارد، آبرویش می‌رود» و «جوان است حالا وقت دارد» و «این نباشد شلوغ می‌کند» و «آن نباشد جواب فلانی را چه بدهم؟» و «همه را راضی کنیم» و نظایر این دچار نشود.

بگذاریم همه قاعده بازی را بی‌پذیرند. قاعده این بازی و متر و معیارش باید فقط فیلم خوب باشد. فقط، این‌طوری همه قاعده بازی را می‌پذیرند، همه به حقتشان می‌رسند و هیات انتخاب هم سرش بالااست.

مهم این است که بعد از تماشای تمام فیلم‌های جشنواره، فیلم بی‌کیفیتی در بخش مسابقه نبینیم که دلیل حضور به‌ناحقش را بشود حدس زد و فیلم بهتری را خارج از مسابقه ببینیم که دلیل حذف به‌ناحقش را نتوان فهمید.

درست یا غلط، جشنواره فجر برای سینماگران بسیار مهم و حیاتی است و باید امیدوار بود اعضای هیات انتخاب از اهمیت تصمیماتشان بر سرنوشت حرفه‌ای جوانان، چهره‌های گمنام، اما مستعد و فیلم‌سازانی که اهل هیاهو و جوسازی نیستند، کاملاً آگاه باشند.

دوره‌های مدیری، دوباره حاشیه‌ساز شد

دوره‌می یا زخم‌زبان

دوره‌می یا زخم‌زبان

دوره‌می یا زخم‌زبان

شرق: «مهران‌خان مدیری» خطابیش کردند؛ دوره‌می‌اش را «هجونامه» و خودش را «فاقد‌تخصص» نامیدند. اینها، بخشی از حملات کاربران فضای مجازی به کارگردان و بازیگر پرحاشیه طنز ایران است. مدیری در برنامه دو شب پیش خود در دوره‌می با موضوع شجاعت، در سخنانی گفت: «عده‌ای جرئت کردند وارد عملیاتی شوند که به آنها گفته شده بود. برگشتی در آن نیست. اگر ما بودیم چه‌کاری می‌کردیم، امروز که شرایط کاملاً عادی است، جواب آن دل و جرئت خارق‌العاده را با سازش‌کاری و منفعت‌طلبی می‌دهیم. اگر دل و جرئت بعضی از کارها را نذارین، چرا پست‌هایی را می‌گیرید که انجام وظایفش دل و جرئت می‌خواهد، تو که نمی‌تونی بنمرگ خانه‌ات». هرچند مدیری در این صحبت‌ها به اسم خاصی اشاره نکرده، باین‌حال بسیاری می‌گویند منظور مهران مدیری در این جملات، برخی مسئولان دولتی بوده است.

جنتال، سرخط

هنوز مدت‌زمان زیادی از صحبت‌های مدیری در برنامه «دوره‌می» درباره حق طلاق زنان و طعنه و کنایه‌ای‌ها به مردان و «جوگیر»خواندنشان از طرف او نمی‌گذرد؛ برنامه‌ای که باز هم سیلی از انتقادها به گفته‌های اخیر او در برنامه را به‌همراه داشت یا‌قبل‌تر، ماجرای اعتراض ۲۰ نفر از نمایندگان فرانکسیون اهل سنت مجلس که مدتی قبل در تذکر کتبی خواستار برخورد جدی با عوامل تولید و مجری برنامه دوره‌می به‌دلیل آنچه اهانت به بزرگان اهل سنت می‌خواندند، شدند. تذکر این نمایندگان به بخشی از برنامه دوره‌می بود که با موضوع «تظاهر و ریا» پخش شد. در این برنامه، مدیری، داستان فرد ریاکار و نان به‌نرخ‌ورخوری را روایت می‌کند که برای استخدام مراجعه کرده و براساس جو موجود و تنها از روی ریاکاری و نان‌به‌نرخ‌ورخوری بدون هیچ ارتباطی با موضوع استخدام به دو نفر از بزرگان اهل سنت لعنت می‌فرستد.

اما برنامه جمعه‌شب مدیری با موضوع شجاعت روی آنتن رفت. مدیری در بخشی از برنامه‌اش گفت: «جرئت نقطه مقابل سازش‌کاری است که ما اسمش را می‌گذاریم عملکرد جنتلمانه یا پاس‌دادن به هم برای بقا. اجرای خیلی چیزها نیاز به جرئت دارد و کسانی که پرونده پاکی دارند جرئت عبور از سازش‌کاری را دارند.

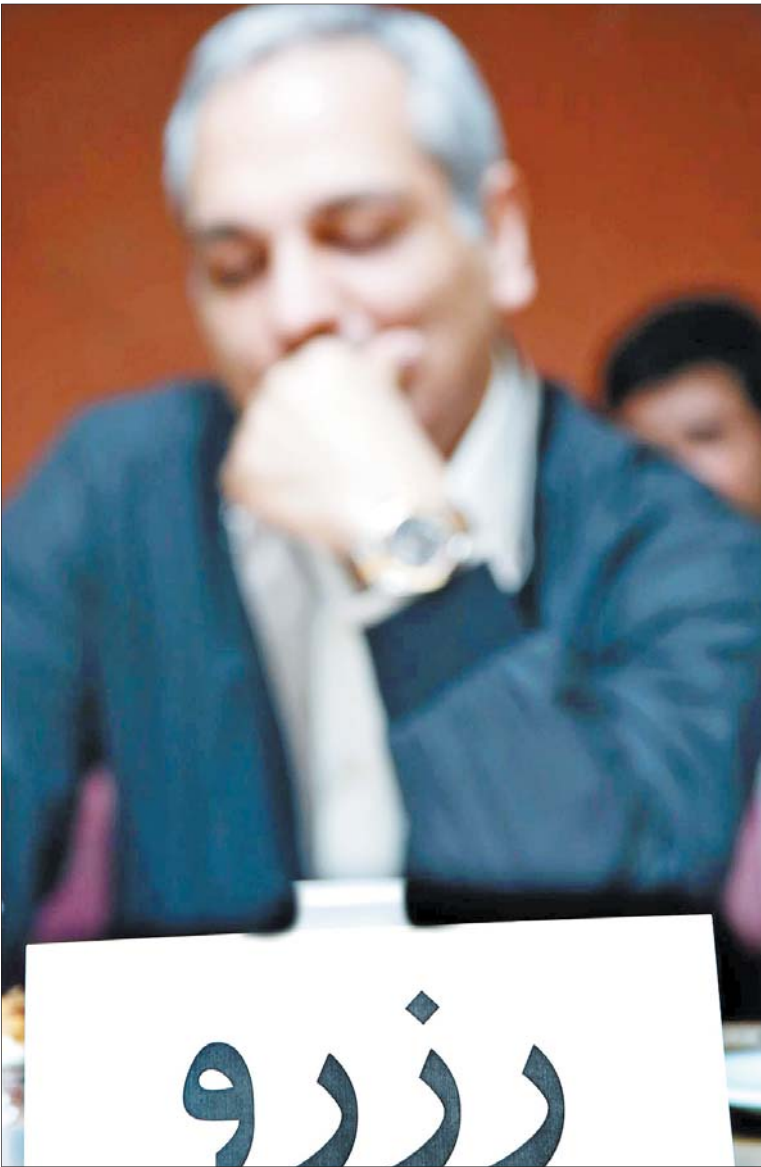
یکی تصادف می‌کند هیچ‌کس به او کمک نمی‌کند چون می‌گویند شاید پای ما هم وارد ماجرا شود. بعد تصور کنید چگونه یک عده جرئت کردند وارد عملیاتی بشوند که به آنها گفته‌اند برگشتی در آن نیست. اگر ما بودیم چه‌کار می‌کردیم؟ امروز که شرایط کاملاً عادی است جواب آن دل و جرئت خارق‌العاده را با منفعت‌طلبی و سازش‌کاری می‌دهیم. اگر جرئت انجام بعضی کارها را ندارید پس چرا پست‌هایی را می‌گیرید که انجام وظایفش دل و جرئت می‌خواهد؟» صحبت‌های مدیری در برنامه، واکنش‌های بسیاری در صفحات مجازی به دنبال داشت و برخی صحبت‌های او را نقدی به سیاست خارجی دولت یازدهم تعبیر کردند. اعتراض مردم در شبکه‌های اجتماعی تا آنجا

عادی است جواب آن دل و جرئت خارق‌العاده را

با منفعت‌طلبی و سازش‌کاری می‌دهیم. اگر جرئت انجام بعضی کارها را ندارید پس چرا پست‌هایی را می‌گیرید که انجام وظایفش دل و جرئت می‌خواهد؟» صحبت‌های مدیری در برنامه، واکنش‌های بسیاری در صفحات مجازی به دنبال داشت و برخی صحبت‌های او را نقدی به سیاست خارجی دولت یازدهم تعبیر کردند. اعتراض مردم در شبکه‌های اجتماعی تا آنجا

اظهارات مدیری، دوباره حاشیه‌ساز شد

دوره‌می یا زخم‌زبان



ادامه یافته که حتی کمپین‌هایی علیه مدیری به راه افتاده است. «بالاخره آقا مهران کدوم طرفی؟»، بالاخره ما نفهمیدیم ایشون طرفدار دولت قبل بود یا دولت مستقر یا اصلاً یک کمدین بی‌نظیر ایران است که می‌تواند ندهایی در قالب کمدی مطرح کند. بنده خدا هر چی گفت، یک عده ناراحت شدن؛ از طرفداران دولت قبل بگیرد تا وزارت بهداشت و وکلا و… صحبت هم که بشه، می‌کنم ما مردم خیلی

گفت‌وگو با ایرج راد، درباره «جعفر والی» و آخرین نمایش درحال‌تمرینش

در گوش سالمم زمزمه کن

رضا آشفته

جعفر والی متولد ۱۳۱۲ در تهران بود. او که به علت بیماری ربوی در بیمارستان بستری بود، صبح ۲۷ آذر درگذشت. کارگردان تئاتر، بازیگر و فیلم‌نامه‌نویس ایرانی در روزهای پایانی عمرش داشت به‌همراه ایرج راد و هرمز هدایت نمایش در «گوش سالمم زمزمه کن» را آماده می‌کرد که در فجر و اجرای عمومی تئاتر شهر حاضر شود. این انگیزه‌ای شد که با ایرج راد درباره این کارگردان و بازیگر نامی گپ بزنیم. در ضمن مراسم تشییع این هنرمند صبح دوشنبه ۲۹ آذر از ساعت ۹ از مقابل تالار وحدت به سمت بهشت‌زهر(اس) برگزار می‌شود.

گروه بود این کار را به صحنه ببریم.

❧ فکر کنم آنچه باید اجرا شود، به گروه منتقل شده است؟

براساس نظرگاه آقای والی، تحلیل‌های نمایش گفته شده و در ارتباط با نقش‌ها مسائل و تذکرات لازم داده شده است و آنچه باید رضایت ایشان را جلب می‌کرد در همان تمرین‌ها تذکراتش داده شده و نحوه کار بیان شده است. امیدوارم این امکان فراهم بشود که بنابر دیدگاه ایشان کار را به سرانجام برسانیم.

❧ اصل مطلب در اختیاراتان هست؟

بله چارچوب و اساس کار مشخص است و حتی درباره طراحی صحنه هم آنچه باید را گفته‌اند و میزانشن کلی هم برایشان مشخص است و همه اینها برایشان درک‌شدنی است.

❧ فکر می‌کنم دیگر به اراده و خواست جمعی نمی‌گردد که این مهم برای ادای دین به این بزرگوار شدنی باشد؟

بله… در این نمایش دو پیرمرد هستند که در موقعیتی قرار دارند و باعث می‌شود کار به سرعت جلو برود.

❧ چه چیزی مانع شد؟

هوا، یک‌باره آلودگی هوا باعث شد که بگوید حالشان خوب نیست و از نظر تنفسی اذیت می‌شد. بعد هم به بیمارستان شهید رجایی منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. ما هم منتظر ایشان شدیم که به نحو مطلوبی از بیمارستان برگردد که متأسفانه حالشان بعد از بیمارستان بدتر شد و مجدداً به بیمارستان تهران‌کلینیک منتقل و جمعه صبح هم متأسفانه فوت شد.

❧ آیا از سوزی شما برای ماجرای عمومی نمایش در گوش سالم… اقدام خواهد شد؟

نمی‌دانم. من خود طالب بوده‌ام که این کار به نحو مطلوبی انجام شود و باید با دیگر عوامل و همکاران و خانواده محترم ایشان هم صحبت بشود که اگر تمایل

اظهارات مدیری، دوباره حاشیه‌ساز شد

دوره‌می یا زخم‌زبان

بافرهنکی هستیم، ولی نمیتونن یک برنامه طنز رو دووم بیان. «همین که صداوسیما به این متن اجازه انتشار داده یعنی باهاش موافق بوده. پس سیاسیبه… همین برنامه‌رو از اول بادقت ببینن چندبار وصله‌پینه شده بود»، اینها بخشی از واکنش‌های کاربران فضای مجازی به اظهارات دو شب پیش مدیری است.

شوخی با تحصن نمایندگان مجلس ششم

وورد مستقیم مدیری به مسائل سیاسی روز و موضع‌گیری‌های ناپهنگام او، چیز تازه‌ای نیست. شوخی او با تحصن سیاسی نمایندگان مجلس ششم از اولین حواشی سیاسی زندگی حرفه‌ای این بازیگر محسوب می‌شود؛ تحصنی که در ادامه به وره سیاسی کشیده شد و همین روزه سیاسی موجب شد تا مدیری در همان ایام با این سوزژه شوخی کند! دی ماه ۸۲ و هم‌زمان با ردصلاحیت برخی از نمایندگان مجلس ششم، چهره‌های ردصلاحیت‌شده در مجلس تحصن کردند و برخی از متخصصان با انتشار بیانیهای اعتراض خود را اعلام کردند. مدیری که آن زمان برنامه نقطه‌چین را در دست داشت، سر شوخی را با نمایندگان باز کرد. قصه از این قرار بود که کاسبی تصمیم می‌گیرد جزء هیات‌مدیره صنف خودش باشد، اما بعد از ثبت‌نام، صلاحیتش از طرف اتحادیه رد می‌شود و این فرد به همراه دوستانش تحصن می‌کند. آنها جلو چشم خبرنگاران به خودشان سرم وصل می‌کنند، اما وقتی کسی نیست یواشکی غذا می‌خورند. این مسئله با انتقاد شدید برخی نمایندگان از جمله داود سلیمانی، ناصر قوامی، محسن آرمین و… مواجه شد. این نمایندگان نمایش این طنز را اهانت به نمایندگان اصلاح‌طلب عنوان کردند. مرحوم کیومرث صابری‌فومنی هم در یادداشتی او را از دایره هنرمندان خارج دانست. این انتقاد از آنجا که به‌طورکلی با سیاست‌های صداوسیما هم‌راستا نبود، چندان از طرف آنها جدی گرفته نشد و تلویزیون اینجا کاملاً پشت مدیری ایستاد. حتی در جاهایی هم به این نکته اشاره شد که طنز تلویزیونی که مربوط به مشکلات صنفی یک قشر جامعه است، چه ارتباطی با نمایندگان مجلس دارد! البته در نهایت هیچ مشکلی برای ادامه پخش «نقطه‌چین» پیش نیامد و سریال ادامه پیدا کرد.

مدیری وقالیباف

صحبت‌های مدیری درباره شهردار تهران هم از دیگر مواردی است که حواشی بسیاری را به همراه داشته. در برنامه‌ای که پروفیسور سمیعی حضور داشت، این برنامه به زعم بسیاری، تبلیغی تمام‌عیار برای قالیباف از زبان یک جراح مشهور دانسته شد و البته تمجیدهایی که در برخی از برنامه‌های او از قالیباف صورت گرفته، این برنامه را به حمایت از قالیباف متهم کرده است.

پیش‌کسوتان تئاتر می‌بینیم، او همواره نظم و انضباط و دیسیپلین کار را مراعات می‌کرد، بسیار وقت‌شناس بود و باالتیزه کارهایش را انجام می‌داد. صرفاً به دنبال اجرای یک کار نبود، بلکه با آن نگاه تحلیلیگر نسبت به آنچه می‌خواست به صحنه بیاورد و حتماً دلش می‌خواست که حرفی برای گفتن داشته باشد، به دنبال پشتوانه‌ای بود که می‌شد با آن با تماشاگران ارتباط گرفت و همه این تحلیل‌ها او را با عوامل نمایش مرتبط می‌کرد، همین‌ها باعث ایجاد شکل بهتر و هماهنگی بین عوامل و انجام برنامه‌ریزی دقیق‌تر می‌شد و این شیوه قابل‌قبولی برای انجام کار گروهی و رسیدن به کشف جمعی خواهد شد. این مسیر راهگشاست برای رسیدن به فکری تازه و تأثیرگذارتر و جعفر والی یکی از این هنرمندان است که تأثیرات فراوانی در تئاتر مملکت ما گذاشته است. او خدمات فراوانی دارد و از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ تئاتر ایران برخوردار است.

❧ یکی از مشخصه‌های والی این است که ۹ متن دکتر غلامحسین ساعدی را کار کرده است، دراین‌باره

بگویید که این دو چگونه کار می‌کردند؟

او با دکتر ساعدی کارهای مختلفی را انجام داد و یکی از اتفاقات آن دوره این بود که نویسندگان سر تمرین‌ها حضور پیدا می‌کردند و اگر مشکلاتی برای درک و تحلیل متن بود، حل‌وفصل می‌شد و اگر نیاز بود که نقش‌ها تغییر کنند و موقعیتی دراماتیک‌تر شود، در این تعامل انجام می‌شد. این ساختار، نمایش‌نامه را به سمت قوی‌ترشدن می‌برد، به‌همین‌دلیل متن تغییر می‌کرد و مدام شخصیت‌ها شکل کاملاًتری سر تمرین پیدا می‌کردند. این نزدیکی با دکتر ساعدی توأم با صمیمیت بود که رابطه کاری‌شان را هم قرص و منحکم‌تر می‌کرد. البته دکتر ساعدی با دیگران هم کار می‌کرد، سر تمرین‌هایشان می‌رفت و این همکاری پیش از نشر نمایش‌نامه‌ها کمک زیادی می‌کرد که متن‌ها آماده‌تر شوند. البته این مسیر درحال‌حاضر کمتر دیده می‌شود و در بخش‌هایی هم که دست‌اندرکاران تئاتر این کار را انجام می‌دهند فرصت بیشتری برای شکل‌گیری بهتر متن در زمان تمرین‌هاست.

❧ او پس از انقلاب فرصتی برای کارگردانی نداشت

و بیشتر بازیگری را پیگیری کرد؟

بله بیشتر در فیلم‌های سینمایی بازی کرد، اما به‌هرحال در تئاتر حضور داشت. کارهای جوان‌تر‌ها را می‌دید و به آنها در انجام کارهایشان کمک‌های لازم را می‌کرد.

ادامه در صفحه ۱۷

یاد دوست

جعفر والی به جوانان اعتقاد داشت


شکرخدا گودرزی

● تئاتر نوین ایران مدیون افرادی است که عاشقانه و با احساس مسئولیت فردی تلاش کردند رابطه‌ای بین هنر تازه‌وارد تئاتر و بسترهای تاریخی و کهن این سرزمین و مسائل روز و متیلا به جامعه‌شان فراهم آورند. برمدار اندیشه‌شان مهر وزلالی چشم‌هایشان رخشانی هزار چشمه و در نه توی درون سینه‌شان تئوری گرم داشتند. اینان به‌راستی معماران تئاتر نوین ایران بودند. تئاتر را با ترجمه‌هایی از مولیر و مترلینگ و گوگول و چخوف و شکسپیر شروع کردند و آرام‌آرام از تئاتر به شکل ترجمه و آدابناسیون‌های رایج که غالباً با پُزهایی نخ‌نما و ظاهری جلوه می‌کردند فاصله گرفتند؛ تئاترهای متداولی که هیچ سختی با زیست و بوم هنرمندان معترض و پیشروان دهه ۴۰ نداشتند؛ انواع تئاتر بی‌هویت و بی‌شناسنامه‌ای که نادانسته پشت تئاتر ترجمه‌ای و متون وارداتی خود را پنهان کرده بودند و سعی داشتند تنگی و قطعی ارتباطشان با رفتار عمومی و نهادهای اجتماعی را در یک ظاهر تجددمآبانه نشان دهند و تئاتر را به‌عنوان کالایی لوکس و غیرمنطبق با شرایط سیاسی- اجتماعی و تئاتری فارغ از مسائل بومی ارائه دهند. در مقابل این جماعت به‌اصطلاح ژینگول، فکلی هنرمندانی بودند که از اندیشه‌های متناسب با روح زمان خویش مدد گرفتند و تئاتر درخشان و طلایی دهه ۴۰ را رقم زدند؛ هنری که در عرصه نویسندگی، بزرگانی چون رادی و بیضایی وساعدی را معرفی کرد و در عرصه بازیگری و کارگردانی چهره‌های درخشانی چون عباس جوانمرد، عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، پروین فنی‌زاده، جمشید مشایخی و جعفر والی را به آسمان هنر ایرانی شناساند، افرادی با روحیه ملی، دغدغه‌های بومی و فارغ از دسته‌بندی‌های متداول سیاسی. جعفر والی عضو گروه هنر ملی و از افراد تأثیرگذار این گروه بود؛ فردی باقریحه، عاشق، مهربان، قدرشناس و دوستدار تئاتر. در آخرین دیداری که با او داشتیم، جز از تئاتر و ادامه راهی که آنان آغازگرش بودند نخواست. درحالی‌که روی تخت بیمارستان به‌سختی تنفس می‌کرد، باز از تئاتر گفت. دو سال پیش هم که در همین بیمارستان شهید رجایی بستری بود و با عباس جوانمرد به دیدارش رفتم، عباس جوانمرد درحالی‌که چشم‌هایش از ناراحتی و غم خیس بود به آقای والی گفت: جعفر چرا مواظب خودت نیستی؟ جعفر والی به جوانان اعتقاد داشت و در این چند روز آخر بین بستری‌شدن اخیر و قبلی، از نمایش گروه‌های جوان دیدار کرد. تئاتر ما برای شکوفایی به امثال والی نیاز دارد. بادش گرمای باد.

خبر سازان

«فروشنده»

در فهرست نامزدهای اسکار

● **شرق**: رقابت آکادمی اسکار امسال برای ایرانیان می‌تواند ویژه‌تر باشد؛ چراکه «فروشنده»، نماینده سینمای ایران در فهرست ۹ فیلم منتخب بخش اسکار خارجی‌زبان در دور نخست معرفی شده است. فیلم سینمایی «فروشنده»، تازه‌ترین اثر سینمایی فرهادی در حالی در این فهرست جا گرفته که فیلمش از میان ۸۵ فیلم معرفی و واجد شرایط انتخاب شده است، اما حذف چند فیلم قطعاً جنجالی خواهد شد، از جمله «او» (Elle)، اولین فیلم فرانسوی‌زبان بی‌روهوف، کارگردان هلندی، با بازی ایزابل هوپر در نقش زنی که با فرد متجاوز به خود به شیوه‌هایی متفاوت روبه‌رو می‌شود، فیلم زندگی‌نامه‌ای «نرود» درباره پابلو نرود، شاعر شیلیایی برنده جایزه نوبل ادبیات، به کارگردانی پابلو لارین که امسال فیلم انگلیسی‌زبان «جکی» را هم روانه سینماها کرد و فیلم اسپانیایی «خولی‌تا» (Julietta)، تازه‌ترین ساخته پدرو آلمودوار، استاد فیلم‌سازی، از نگاه بسیاری از کارشناسان، کاندیداشدن «فروشنده»، به کارگردانی اصغر فرهادی خیلی دور از ذهن نبود. موفقیت‌های «فروشنده» در فستیوال‌های بین‌المللی ماه‌هاست ادامه دارد و به‌تازگی کاندیدای دریافت جایزه گلدن گلوب شده است. این فیلم امسال در جشنواره فیلم کن برنده جایزه بهترین فیلم‌نامه «جدايي نادر از سینماین» برنده جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان شد. فهرست فیلم‌های منتخب اسکار در مرحله نخست داوری عبارت‌از: «تانا» از استرالیا ساخته بنتلی دین و مارتین باتلر، «این فقط پتان ایران دنیاست» از کانادا ساخته زاویه دولان، «سرزمین من» از دانمارک ساخته مارتین ساندنیت، «تونی اردمن» از آلمان ساخته مارک آده، «فروشنده» از ایران ساخته اصغر فرهادی، «انتخاب پادشاه» از نوژ ساخته اریک پویه /«بهشت» از روسیه ساخته آندری کونچالوفسکی /«مردی به نام اووه» از سوئد ساخته هانس هولم؛ و «زندگی من به‌عنوان یک کدوسیز» انیمیشن سوئدیس ساخته مارتن ساخته کلود باراس. نامزدهای بخش اسکار فیلم خارجی‌زبان در مرحله انتخاب می‌شوند؛ در مرحله اول اعضای داوطلب از همه شاخه‌های آکادمی، به‌عنوان اعضای کمیته عمومی بخش فیلم خارجی‌زبان، هر یک حداقل بین ۱۸ تا فیلم ۲۰ را می‌بینند و برمبنای امتیاز شش تا ۱۰ به فیلم‌ها نمره می‌دهند.